«صلو» و «صلی» به‌معنای «ثناء جمیل» و «عرض» در التحقیق

آنچه که عرض من در اینجا است، این است: در جلسه‌ی قبل عرض کردم که مرحوم مصطفوی، تقریباً هر دوی «صلو» و «صلی» را به زبان‌های دیگر ارجاع داده‌اند. بعداً هم گفته‌اند: «صلو» در اصل عربی به‌معنای ثنای جمیل است. بعد هم «صلی» را در نهایت به‌معنای کلی «عرض» برگردانده‌اند:

> **«و لا يبعد أن نقول بالتناسب بين الصلاة و الصلي و الصلو: فانها مشتركة في العرض و التقريب، إلا أن الصلاة عرض على مقام عال نوراني، فانه ارتباط مع الله تعالى و حضور بين يديه عز و جل. و الصلي عرض على النار، و الفارق هو حرف الياء الدال على التسفل. و الصلو هو عرض محبة و مودة و إظهار تحية و ثناء لمقام»[1].**

«و لا يبعد أن نقول بالتناسب بين الصلاة و الصلي و الصلو: فانها مشتركة في العرض و التقريب إلا أن الصلاة عرض على مقام عال نوراني»؛ صلات هم عرض به عالم ملکوت است.

عرض کردم معنای معروف صلات، دعا است. «العطف و المیل» معنای معروفی است که بعداً گفته می‌شود. ایشان هم معانی را که فرموده‌اند می‌خوانم. ابن جبل هم گفت ... .

شاگرد: حسن جبل.

استاد: جبل پدرش است. حسن بن جبل. عربها، «بن» را می‌اندازند.

شاگرد: حسن حسن جبل است.

استاد: پس پدر حسن بوده و جدشان جبل بوده است.

ایشان گفت[2] من حرف ابن فارس را - نه در مقایيس اللغة، بلکه در المجمل في اللغة - زنده کردم. ایشان گفت معنای آن «عرض على النار» است. «عرض على النار» باز معنای اصلی نیست. معنای اصلی آن «تلیین» است. هر چیزی را که می‌خواهید ملایم شود و از آن سفتی و صلبی در بیاید، عرض على النار می‌کنند. آهن سفت را در کوره می‌برند و عرض على النار می‌کنند، ملایم می‌شود. حتی اگر چوب سفت را هم حرارت زیاد بدهند، آن حالت کریستال بودنش از بین می‌رود.

نمی‌دانم در فن کریستالها تا چه اندازه از حرارت ممکن است به ملایمت برسد.

شاگرد: باید چوب را آب بدهند تا نرم شود.

استاد: معلوم نیست اینطور باشد. البته انواعی دارد. احتمال حسابی دارد که وقتی درجه‌ی حرارتش بالا رفت، حالت ملایم پیدا کند و از آن حالت سفتی در بیاید. علی أی حال، «تلیین» را ایشان فرموده‌اند.

آنچه که در ذهن بنده است و دنبالش هستم تا ببینم سر می‌رسد یا نه، این است که از ماده‌ی «صلی» و «صلو» یک جور معنای استمرار در ذهنم هست. خُب، این معانی به یک جور استمرار چه ربطی دارد؟! ببینید مرحوم آقای مصطفوی وقتی می‌خواهند جمع کنند، این جور کلمه‌ها دارند، می‌فرمایند:

> **«و أما الأصل الواحد الاستقلالي في العربية في هذه المادة: هو الثناء الجميل المطلق الشامل للتحية و غيرها.**
>
> **. إنّ اللّه و ملائكته يصلّون على النبي يا أيها الذين آمنوا صلّوا عليه و سلّموا تسليما - ۳۳/ ۵۶.**
>
> **. هو الذي يصلّي عليكم و ملائكته ليخرجكم من الظلمات إلى النور - ۳۳/ ۴۳.**
>
> **. خذ من أموالهم صدقة تطهرهم و تزكّيهم بها و صلّ عليهم إنّ صلاتك سكن لهم - ۹/ ۱۰۳.**
>
> **. أولئك عليهم صلوات من ربّهم و رحمة - ۲/ ۱۵۷.**
>
> **. كل قد علم صلاته و تسبيحه و اللّه عليم بما يفعلون - ۲۴/ ۴۱.**
>
> **. و من الأعراب .... و يتّخذ ما ينفق قربات عند اللّه و صلوات الرسول ألا إنّها قربة لهم - ۹/ ۹۹»[3].**

«و أما الأصل الواحد الاستقلالي في العربية في هذه المادة»؛ لغت سریانی و عبری و آرامی را در این دو ماده گفتند، بعد سراغ لغت عربی آن می‌آیند. می‌گویند: **«و أما الأصل الواحد الاستقلالي في العربية»**؛ یعنی به زبان‌های دیگر ربطی ندارد. **«في هذه المادة»**؛ در «صلو»، نه «صلی»، **«هو الثناء الجميل المطلق الشامل للتحية و غيرها..»**؛ هر ثناء، هر مدح و هر خوب گویی‌ای، می‌شود «صلو». بعد آیاتی را می‌آورند که برای این مقصود من این آیات مهم است. این آیات را در ذهنتان بیاورید.

«إنّ اللّه و ملائكته يصلّون على النبي يا أيها الذين آمنوا صلّوا عليه و سلّموا تسليما»؛ ایشان به این صورت معنا می‌کند: یعنی **«انّ اللّه و ملائكته يثنون»**؛ ثنای جمیل بالایی بر پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله دارند. «یصلون» به‌معنای ثناء است.

«**وه الذي يصلّي عليكم و مالئكته ليخرجكم من الظلمات إلى النور**»؛ خُب، ایشان احتراماً اول آن را آوردهاند، ولی خدای متعال در سورهی مبارکهی احزاب، اول صلات خودش را بر شما گفته است. در آیهی چهل و سوم فرموده است: «**وه الذي يصلّي عليكم و مالئكته ليخرجكم من الظلمات إلى النور**»؛ اول صلات او بر شما مؤمنین است. بعد از دوازده-سیزده آیه، میفرمایند: «**إنّ اللّه و مالئكته يصلّون على النبي**». خُب، این دو آیه باشد. بعد میفرمایند: «**خذ من أموالهم صدقة تطهرهم و تزكّيهم بها و صلّ عليهم إنّ صلاتك سكن لهم**»؛ یعنی ثناء بر آنها بود. حال میرسیم که ثناء چیست. آیهی بعدی: «**الّذين إذا أصابتهم مصيبة قالوا إنّا للّه و إنّا إليه راجعون، أولئك عليهم صلوات من ربّهم و رحمة و أولئك هم المهتدون**» است. آیهی بعدی هم چنین است: «**أ لم تر أنّ اللّه يسبّح له من في السّموات و الأرض و الطّير صافّات كلّ قد علم صلاته و تسبيحه**»؛ تسبیح خداوند متعال هم یک جور ثناء است. صلات هم در اینجا، مطلق الثناء است. آیهی بعدی دارد که «**و من الأعراب من يؤمن باللّه و اليوم الآخر و يتّخذ ما ينفق قربات عند اللّه و صلوات الرّسول**» است.

---

[1]. علامهی مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۶، ص ۲۷۵.

[2]. المعجم الاشتقاقي المؤصل، ص ۱۲۴۴.

[3]. علامهی مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۶، ص ۲۷۳.

بازبینی #2
ایجاد شده 7 مارس 2024 11:11:30 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 مارس 2024 12:30:38 توسط ... .